

## ◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۹۱

صفحات: ۴۱ - ۳۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۰/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۸

### شعر زنان و ویژگیهای آن در صدر اسلام

محمد جواد اسماعیل غانمی\*

جواد سعدون زاده\*\*

علی سپهیار\*\*

#### چکیده

این پژوهش به ادبیات زنان و ویژگیهای آن در عصر صدر اسلام پرداخته است. از آنجایی که نگارش تاریخ ادبیات عرب مرد سالار بوده، یافتن آثار ادبی و شعری زنان در مواردی با مشکلات فراوانی روبرو بوده است. لیکن در دوران معاصر و در نتیجه مطالعات و پژوهشهای متعدد، نقش زنان در ساحت شعر و ادبیات تا حدودی متجلی شده و تعداد قابل توجهی از منابع به بررسی شعر زنان پرداخته اند. با بررسی شعر زنان می توان دریافت که این نوع شعر در مقایسه با شعر مردان تفاوتهای ویژه ای داشته است. از جمله این تفاوتها این است که زنان شعر خویش را به بهای ناچیز نفروختند و با آن تکسب نکردند. عاطفه در شعر زنان از قوت خاصی برخوردار بوده است. اغراض شعری زنان با مردان تفاوت چندانی نداشت، گرچه زنان بیشتر در اغراض خاصی چون رثاء به سرودن شعر پرداختند.

کلید واژگان: شعر، زن، عاطفه، اغراض شعری، صدر اسلام

---

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول،

com.yahoo@jghanemy)

\*\* دانشگاه شهید چمران، دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، اهواز، ایران.

\*\*\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، مربی گروه زبان و ادبیات عرب، آبادان، ایران.

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان می باشد.

## مقدمه

برخی ناقدان بر این باورند که شعر در عصر نبوت و صدر اسلام بسیار اندک است، و از اهمیت چندانی برخوردار نیست، و حتی اغراض آن نیز بخاطر مشغولیت مسلمانان به امر جهاد و دفاع از اسلام و حفظ ارزشهای اسلامی، چون: قرآن و روایت حدیث شریف و کوتاهی دوران نبوت و محصور بودن این دوران میان دو عصر جاهلی و اموی اغراض آنرا دچار محدودیت کرده است.

به همین علت پژوهشهای ادبی در این دوران بسیار اندک اتفاق افتاده است. و اگر هم کاری صورت گرفته باشد از عمق و ژرفای قابل توجهی برخوردار نبوده است. و اگر به بررسی بعضی موضوعات این دوران پرداخته شود، چیزی جز خطب و اشعاری که در دفاع از اسلام و پیامبر سروده شده است چیز خاص دیگری نمی توان یافت.

لذا این دوره به شاعران انگشت شماری چون: حسان بن ثابت انصاری و کعب بن زهیر، و لبید و... خلاصه می شود. و اکثر تحقیقات و پژوهشها در همین چارچوب خلاصه می شوند.

پس اگر ناقدان و مؤرخان ادبیات از کنار بسیاری از شاعران عصر نبوت به همین سادگی بگذرند، گذشتن از کنار شاعران زن در این عصر ساده تر خواهد بود، از این روی در مطالعه تألیفاتی که این دوران را تجزیه و تحلیل کردند، بندرت، از زنان شاعر صحبت به میان آمده است و مجاهدت و از خود گذشتگی ها و فداکاریهای آنان را که پای به پای مردان انجام می گرفت منعکس شده است. حقیقت امر این است که ناقدان و تاریخ نویسان ادبیات از این بابت به زنان شاعر و نقش و اهمیت آنان در عصری ستم روا داشتند و این ستم نه تنها توسط قدما اعمال شده بلکه حتی در تألیفات معاصرین نیز تکرار شده است. لذا اهمیت این مقاله از این چارچوب قابل توجه است که به گوشه ای از شعر زنان پرداخته است.

یکی از مشکلاتی که در گردآوری شعر زنان وجود دارد این است که شاعران زن مانند شاعران مرد به نام و اصل و نسب ممکن است ذکر نشده باشند. و راویان و مؤلفان به تفصیل نام آنها را نیاوردند. به همین سبب روایت شعر برخی از زنان این چنین آمده است: مثلاً زنی می گوید:... یا همسر فلان می گوید: یا مادر فلان می گوید:...

بی شک عصر نبوت تنها شامل زمان پیامبر نیست. بلکه قسمتی از عصر جاهلی و سالهای زندگی حضرت رسول اکرم(ص) و ایام خلفا را نیز در بر می گیرد.

پس در این محدوده ی تاریخی می توان به اشعاری از مادر پیامبر اکرم حضرت آمنه دختر وهب و اشعاری از عمه های پیامبر که در عصر جاهلی می زیستند و برخی نیز که عصر اسلام را درک کردند و مسلمان شدند را شامل می شود. همچنین شاعران زنی وجود دارد که در دو دوره زندگی گردند. قبل و بعد از اسلام و حتی تا زمان حجاج بن یوسف ثقفی عمر کردند. شاعره هند دختر نعمان بن منذر از پادشاهان حیره از این گروه است. (التونجی، ۲۰۰۲، ص ۴۲)

به همین جهت شاعرانی که در این مقاله ذکر شده اند، یا از عصر جاهلی اند یا نزدیک به دوره اسلامی یا صحابی بودند و یا از نزدیکان پیامبر یا مخضرم می باشند یا شاعران زن مشرک که مشرک نیز مردند یا شاعران زنی که معاصر پیامبر عظیم الشان بودند.

بی شک اشعاری که در دست است حاصل تلاش راویان و مؤلفان و دائرة المعارف نویسان می باشد. این راویان و مؤلفان در درجه نخست به گردآوری و روایت شاعران مرد پرداختند، و بندرت به روایت شعر زنان همت گماشتند. با این حال بعضی از شعرهای زنان را نیز روایت کردند. ابوتمام اولین کسی است که در حماسه خود از شعر زنان، نمونه هایی را ذکر کرده است. با این وجود شاعران و نویسندگان در ذکر شعر شاعران زن به شرح حال زنان توجهی نمی کردند و اخبار آنان را روایت نمی نمودند. و حتی از بیان علت سرودن شعر آنان سر باز می زدند. و چنانچه تاریخ شعر نویسان جنبه ای از شعر زنان را ذکر کرده باشند بیشتر از باب نمونه و شاهد شعری است و نه چیز دیگر.

از جمله نواقص کار راویان در ذکر زنان شاعر، اکتفا به کنیه یا لقب زنان بود. و نام آنان را بطور کامل نمی آوردند و حتی به «عربی، امرأة و... اکتفا می کردند. و یا نام: دختر فلان و خواهر فلان و مادر فلان و همسر فلان می گفتند. و از ذکر نام و نسب طفره می رفتند.

از مشکلات دیگر زنان شاعر در عصر نبوت، اختلاط اسمها می باشد. مثلاً شاعری بنام « هند دختر نعمان » اسم دیگری دارد، بنام « حرقة » و حرقة اسم حقیقی وی می باشد. هند دختر نعمان بن بشیر نیز اسمهای دیگری دارد به نامهای « عمره، حمده، حمیده » و بنظر می رسد این اختلاط اسامی از اشتباهات ناسخان کتب پیش آمده باشد یا بعلت مشابهت در رسم الخط اسمهای متشابه است. مانند: عتبه که عنبه و غنیه نیز می تواند خوانده شود.

در بررسی شعر زنان در عصر پیامبر اختلاط شعری نیز مشاهده می شود، یعنی بیت شعری یا قطعه یا قصیده به بیش از دو یا سه شاعر نسبت داده شده است. این مسئله در شعر مردان نیز مشاهده می شود. از دیگر ویژگیهای شعر زنان در این عصر، نحل یا نسبت دادن شعر به غیر از شاعران حقیقی است که شعر منحول را می توان بیشتر در اشعاری که در جنگها و درگیریهای قبیله ای سروده شده بود، پیدا کرد. همچنین این ویژگی یعنی انتقال در شعر زنان اهل بیت علیهم السلام نیز بسیار است. (التونجی، ۲۰۰۲، ص ۸)

### نقش زن در شعر

زن در شعر عرب نقشی کم رنگ ایفا نمود، بدین شکل زن بیشتر ناقد و جهت دهنده خطاب شعری را عهده دار بود و نه شاعر. کما اینکه با احساس ناقدانه زنانه ی خود، ناخواسته به خطاب شعری صفت مردانه بخشید. و زمانیکه قصد ورود به میدان شعری به عنوان شاعر و نه ناقد نمود خود را در تنگنا یافت. از اینرو در بسیاری از موارد به شعر مرد گونه روی آورد تا از تنگنای شرایط مردانه شعری که خود در ایجاد آن سهیم بوده رهائی یابد. بدین جهت چنین دریافت می شود که صفت زنانه در شعر او رخنه کرد تا جایی که قدامت به شعر زن بهای کمتری دادند و زنانگی را عیبی شعری به شمار آوردند و همین امر از دیدگاه مردان منجر به کاهش اهمیت شعر زنان گردید.

بدین سبب زن شاعر با موانعی مواجه شد که ورودش را به ساحت شعری که مردان در آن فرمانروائی می کردند دشوار کرد. این موانع در جلوگیری از سرایش شعر توسط زن، سهمی عمده به عهده داشتند. کما اینکه در حاشیه قرار گرفتن و کم توجهی به شعر زنانه سهیم بود و همین امر به

محدودیت مضامین شعری زنان منجر گردید و باعث شد اغراض شعری آنان نشانه های بارزی نداشته باشد. (السیف، ۲۰۰۸، ص ۱۱۱)

### اغراض شعری زنان

آنچه در آن شکی نیست شعر زنان همان اغراض و مفاهیم شعر مردان را بازگو می کند. اغراضی چون: مدح، رثاء، غزل، هجو، فخر... در واقع این اغراض را مردان و زنان بطور مشترک در اشعار خود بازگو کردند. لیکن بعضی از این اغراض نزد مردان و زنان از شدت و ضعفی ممکن است برخوردار باشند. مثلاً در باب مرثیه شاید بتوان گفت در این فن زنان پیشگام ترند، زیرا عاطفه و زود رنجی و روح لطیف زنانه غالباً در این گونه اشعار بی تأثیر نیست. و مرثیه سرایی زنان را بر مرثیه سرایی مردان برتری بخشیده است. خصوصاً آن مرثیه هایی که زنان برای فرزندان یا همسران یا خویشان خود سروده اند، این اشعار از نظر ارزش هنری و ادبی به واسطه ی قوی بودن زمینه ی عاطفی برترین نوع مرثیاتی بشمار می روند. همچنین زنان شاعر میل بیشتری به مرثیه سرایی داشتند، همانگونه که ابن رشیق قیروانی در این خصوص می گوید: « زنان به هنگام مصیبت اندوهگین ترین مردمانند و بی تابی و ناشکیبایی شدیدتری نسبت به مردان دارند. » (ابن رشیق القیروانی، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۲، ص ۸۴۱) پر واضح است که غرور مردان آنان را در هنگام مصیبت به صبر و بردباری سوق می دهد.

کارل بروکلمان<sup>۳۷</sup> (۱۹۸۶) شرق شناس شهیر در این باره می افزاید: «اظهار حزن، اندوه، گریه و زاری در خور مردان قبیله نیست بلکه در خور زنان قبیله بوده است. به خصوص زنانی که برای برادرانشان سوگواری می کنند.» چرا که از خلال مطالعه تاریخ عرب مرد پیوسته به انتقام و زن به سوگواری دعوت شده است.

در این دوران شاعران زن چه مسلمان چه غیر مسلمان در سوگ عزیزان خود که در جنگ، خصوصاً جنگهایی که بین امام علی علیه السلام و معاویه و امام علی علیه السلام و خوارج روی داده، سهمی وافر از رثاء را بخود اختصاص داده اند.

آنچه در فن رثاء در این عصر قابل ملاحظه است، تأثیر دین مبین اسلام در موضوعات شعری است. اغراضی چون رثاء، غزل، فخر، هجاء... همگی تحت تأثیر تعالیم اسلامی قرار گرفتند و دگرگونی های عمده ای در آنها بوجود آمد. رثاء نیز به تبعیت از این تحول و تأثیر دگرگون گشت و بسیاری از مفاهیم و معانی خود را از تعالیم اسلام فرا گرفت. لذا مرثیه سرایان خصوصاً زنان مرثیه سرا، مرثیه های خود را به کسانی که در راه خدا جان می باختند نثار می کردند و بر شهیدان اسلام می گریستند و شهیدان و جانفشانیهای آنان را با شعر خود می ستودند. و حتی آرزو می کردند که قبل از آنان جان می باختند تا به نعمتهای بی پایان خداوندی زودتر می رسیدند، و از آن بهره مند می شدند. اشعار صفیه دختر عبدالمطلب و عمه ی پیامبر از این دسته اشعار است. صفیه در رثای پدر خویش و حمزه برادرش و حضرت ختمی مرتبت اشعار شورانگیزی دارد (ابن هشام، ۱۹۷۸، ج ۳، ص ۹۴) ایشان در در مرثیه ای در رثای حمزه سید الشهداء می گوید:

37. Carl Brockelmann

أسائلة أصحاب أحد مخافة  
فقال الخبير: إن حمزة قد ثوي  
دعاه إله الحق ذو العرش دعوة  
فذلك ما كنا نرجى و نرتجى  
فوالله لا هبت الصبا  
فيا ليت شلوى عند ذاك و أعظمي

بنات أبي من أعجم و خبير؟  
وزیر رسول الله خیر وزیر  
الی جنه یحیا بها و سرور  
لحمزه یوم الحشر خیر مصیر  
بکاء و حزنا محضری و مسیری  
لدی أضع تعادنی و نسور

یعنی: خواهرانم هراسان از دانا و نادان از سرنوشت احدیان می پرسیدند.  
- آن کس که از جنگ خبیر مطلع بود گفت: حمزه وزیر پیامبر جان به جان آفرین بخشید.  
- خداوند او را بسوی بهشت برین و زندگی سرتاسر سعادت و خوشی فراخواند.  
- این همان زندگی است که برای حمزه در روز قیامت پیش بینی می شد.  
- بخدا سوگند ترا فراموش نمی کنم مادامیکه باد صبا بوزد و با گریه و اندوه پیوسته یاد و خاطره ترا پاس می دارم.

- ای کاش بجای جسد پاک تو کفتارها و کرکسها جسد و استخوانهای مرا می خوردند.  
یکی از برترین گونه های شعر رثاء، اشعاری است که خنساء - شاعره مشهور عصر جاهلی - اسلامی در رثای دو برادرش صخر و معاویه سروده، می باشد. همچنین اشعاری که دختران عبدالمطلب در رثای وی سروده اند می باشد. روایت شده است که عبدالمطلب از دختران خود خواست قبل از فرا رسیدن اجلس برایش مرثیه بسرایند تا بدانند، بعد از وفاتش با چه شعری بر او می گیرند. (ابن طیفور، ۱۹۹۸، ص ۵۰) همچنان شاعران زن در وصف حال و روز خود بعد از مرگ فقید اشعار شور انگیزی دارند. از آن جمله زینب دختر عقیل بن ابی طالب که شیون و گریه و اشک پیوسته را بعد از شهادت خاندان رسول (ص) کار همیشگی خود قرار داده است و می گوید:

عینی ابکی بعبرة و عویل  
سته کلهم لصلب علی

و اندبی إن ندبت آل الرسول  
قد أصیبوا و خمسہ لعقیل

یعنی: ای چشمان من به هنگام رثای خاندان رسول (ص) با اشکی پیوسته و شیون و زاری بر آنان بگریید.

شش تن از آن شهیدان از صلب علی و پنج تن از فرزندان برادرش عقیل بوده اند.  
در خصوص خنساء می توان گفت که او درد و رنج را با تمام وجود احساس کرده بود. مصیبت از دست دادن برادران به خصوص «صخر» که سخت به او دل بسته بود به شدت او را می آزرده. خنساء با شور و حرارتی وصف ناشدنی و عاطفه ای آمیخته با درد و با زبان شعر لحظه لحظه خاطراتش را به یاد می آورد و سرشار از احساس می گوید:

فلا والله ما أنساک حتی  
فقد ودعت یوم فراق صخر  
فیا لهفی علیہ و لهف أمی

أفارق مهجتی و یشق رمسی  
أبی حسان لذاتی و أنسی  
أ یصبح فی الضریح و فیه یمسی

به خدا سوگند تا آن زمان که بین من و دل جدائی افتد و آن هنگام که قبرم شکافته گردد تو را فراموش نمی کنم.

روزی که با صخر (ابو حسان) وداع نمودم با تمام لذتها و اطرافیانم خداحافظی کردم. افسوس و دریغ من و مادرم بر او باد، آیا او در قبر شب را به صبح می رساند و روز را به شب؟ آنچه در شعر و اغراض شعری زنان قابل ملاحظه است اشعار زنان از نظر ارزش ادبی در مرتبه ای پایین تر از شعر مردان قرار می گیرد. خصوصاً آن اغراضی که مردانه بنظر می رسد مثل: فخر، هجاء، حماسه... و حتی در غرضی چون غزل، بعلت اینکه زنان در این گونه ی شعری به پنهان گویی روی می آورند و از بیان صریح و بی پرده درد و رنج عشق ابا می نمایند، از این جهت در مرتبه ای پایین تر از شعر مردان است. مگر در شعر بعضی از شاعران زن، چون لیلی اخیلیه.

این ویژگی - ابا از بیان بی پرده ی درد عشق - در شعر زنان بادیه نشین بیشتر نمود پیدا می کند، و رگه های آنرا می توان در شعر زنان شهرنشین جستجو کرد به خصوص در غزل کنیزکان که از جرأت بیشتری برخوردار بودند می توان یافت. خوله دختر ثابت خواهر حسان بن ثابت انصاری شاعر پیامبر شیفته ی شخصی بنام عماره بن ولید بن مغیره مخزومی بود، و عشق و علاقه ی خود را نسبت به عماره با بیان بی خوابی، و پنهان گویی که جگرش را پاره پاره کرده است اما برای کسی بازگو نمی کند، و احساسات خود را سر کوب می کند ابراز می نماید و می گوید: (عسقلانی، ۱۳۹۰هـ، ج ۴، ص ۲۳۹)

أفارق مهجتي و يشق رمسى	فلا والله ما أنساك حتى
أبي حسان لذاتي و أنسى	فقد ودعت يوم فراق صخر
أصبح في الضريح و فيه يمسى	فيا لهفى عليه و لهف أمى

یعنی: دوست من دچار بی خوابی شدم، و خواب به چشمانم راه نمی یابد.

- خورد و خوراکم درد و رنج است، اما هرگز آنرا برای کسی بازگو نمی کنم.

- چگونه مرا از عشق به او سرزنش می کنید، در حالیکه یاد او جگرم را پاره پاره کرده است.

- چهره اش چون ماه تابان است و بزدل و سیه روز و تند خو نیست.

همانگونه که در ترجمه ی ابیات ملاحظه می شود، ابیات از نوع غزل پاک و بی ریا و بی آرایش و بدور از مسائل زمانی و جسدی است و شاید بتوان تمامی گونه های غزل را در این دوره چنین پنداشت. مگر در شعر بعضی از شاعران در اینجا و آنجا. ظاهراً غزل زنانه در این دوران از عفت، پاکى، عشق بی ریا و راز داری در عشق و عدم افشای راز محبوب از ویژگیهای بی نظیر غزل زنان این عصر می باشد و شاید بتوان لیلی اخیلیه شاعره دوره اسلامی را نماد رازداری و عفت معرفی نمود. وی در این معنی می گوید:

باح مجنون عامر بهواه	و کتمتُ الهوى فمتَّ بوجدی
فإذا كان في القیامة نودی	من قلیل الهوى تقدمت وحدی

یعنی: مجنون عشق خود را فاش کرد و لیکن من آن را پنهان نمودم و با این عشق جان باختم.

روز قیامت اگر کشتگان عشق را بخواهند، تنها من پیش قدم خواهم شد.

بیشتر مضامین شعری لیلی اخیلیه و دیگر شاعران زن در غزل سرائی در پنهان ساختن راز عشق و دعوت به صبر و شکیبائی است و به همین سبب اشعار عاشقانه آنان در معرض کاستی و فزونی راویان

قرار گرفت تا با این کار راویان داستانهای عشقی قدما امثال مجنون لیلی، کثیر عزه، قیس لبنی و... را رنگ و تابی خاص بخشند. (ابشهی، ۲۰۰۰، ص ۶۵۹)

همچنان از ویژگیهای شعر زنان در این عصر کثرت پند و حکمت در شعر زنان می باشد. از جمله زنان شاعری که به شعر حکمت و پند و اندرز مشهور است، «جمعه» دختر خُسن است که در عصر اسلامی زیسته است. ایشان در حکمت اشعار فراوانی دارد، که نشان از دوراندیشی و عقل تیز بین ایشان دارد. (ابن طیفور، ۱۹۹۸، ص ۶۳) وی می گوید:

وَأَفْضَلَ غَمِّ يَسْتَفَادُ وَيَتَغَى	ذَخِيرَةُ عَقْلِ يَحْتَوِيهَا وَيَحْرُزُ
وَخَيْرَ خَلَالِ الْمَرْءِ صَدَقَ لِسَانَهُ	وَلِلصِّدْقِ فَضْلُ يَسْتَبِينُ وَيَبْرُزُ
وَإِنْ جَازَكَ الْمَوْعِدُ مِنْ سَبَبِ الْغَنَى	فَكُنْ مَوْفِيًا بِالْوَعْدِ تَعْطَى وَتَنْجِزُ
وَإِذَا خَيْرٌ فِي حَرْبٍ يَكُ بِشَاشُهُ	وَيَطْعَنُ مَنْ خَلْفَ عَيْكَ وَيَلْمِزُ

یعنی: بهترین غنیمت عقل است که انسان را از همه چیز حفظ می کند.

- بهترین صفات انسان راستگویی است و راستگویی فضلی آشکار و نمایان دارد.  
- وفای به عهد از علل و اسباب ثروت و بی نیازی است، از این جهت از وفاکندگان به عهد و پیمان باش.

- خیر و صلاحی در انسانی که بظاهر خوشرو است اما از پشت بتو خنجر و نیش زبان می زند، نیست.

با اینکه مدح بیشتر در شعر مردان تجلی می کند، اما این گونه ی شعری را در شعر زنان نیز می توان به وفور پیدا کرد. زنان شاعرمانند شاعران مرد به مدح و ستایش ممدوحان می پردازند و صفات نیک و پسندیده را نثار آنان می کنند. آنچه در مدیحه سرایی زنان در این عصر بیشتر نمایان است مدح امام علی علیه السلام و اهل بیت ایشان است. مدح این دوره بنوعی آمیخته به مرثیه و درد و رنج و غم و اندوه می باشد. خصوصاً مدایحی که برای اهل بیت سروده شده است. از جمله این شاعران که در مدح اهل بیت و آن هم حضرت فاطمه علیها السلام لب گشوده، حفصه دختر عمر بن خطاب است. حفصه شاعر و ادیب بود و ابیاتی در مدح حضرت فاطمه سلام الله علیها در شب زفاف آن حضرت بدو منسوب است. که در آنها می گوید: (حسن الامین، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۳۱۲)

فَاطِمَةُ خَيْرٌ نَسَاءِ الْبَشَرِ	وَمِنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ
فَضْلُكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى	بِفَضْلِ مَنْ خُصَّ بِأَيِّ الزَّمَرِ
زَوْجِكَ اللَّهُ فَتَسَى فَاضِلًا	أَعْنَى عَلِيًّا خَيْرٌ مِنْ فِي الْحَضَرِ
فَسِرْنِ جَارَاتِي بِهَا فَإِنَّهَا	كِرِيمَةٌ عِنْدَ عَظِيمِ الْخَطَرِ

یعنی: فاطمه والاترین زنان است. و چه کسی جز او چهره ای مانند ماه تابان دارد.  
ای فاطمه خداوند ترا بر دیگر زنان برتری داده به فضل و برکت کسی که سوره ی زمر در حق او نازل شده است.

خداوند ترا به ازدواج جوانی فاضل در آورد، منظور علی بهترین مردمان. همسایگان، فاطمه را به خانه بخت ببرید، زیرا او هنگام خطر و مشکلات، بزرگوار و گرامی است. هجو نیز از اغراضی است که شاعران زن در آن شعر سرودند و با اینکه این غرض در عصر اسلامی بدلیل هشدار پیامبر و صحابه و تعالیم اسلامی ضعیف شده بود لیکن گاه و بی گاه ابیات یا

قطعه هایی در این باب به مناسبت‌های مختلف و بعلل گوناگون به گوش می‌رسید. از آن جمله ابیاتی که «بکاره هلالی» از شاعران فصیح و شجاع در نکوهش معاویه و یاران او سروده است. بکاره شاعر و خطیب بود و در جنگ صفین در کنار امام علی علیه السلام و یارانش مجاهدت می‌کرد و خطبه‌های حماسی غرائی در بر انگیختن یاران حضرت به جنگ با معاویه ایراد کرده بود. بکاره خاله‌ی میمونه همسر پیامبر صلی الله علیه وآله بود. (کحاله، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۱۳۷) ایشان در هجو معاویه می‌گوید:

أُتْرَىٰ ابن هند للخلافه مالكا؟	هیئات، ذاک، و إن أراد، بعدُ
متنك نفسك في الخلاء ضلاله	أغراك عمرو للشقا و سعید
فارجع بأنك طائر بنحوسها	لاقت علياً أسعد و سعود

یعنی: آیا می‌پنداری فرزند هند (معاویه) خلیفه می‌شود. هرگز این چنین نخواهد شد، با اینکه خلافت را بسیار دوست دارد.

نفس اماره‌ی تو در خلوتگاه خود و از روی گمراهی چنین خود را آرزومند می‌نمود.

عاص و سعید بن عاص ترا به این کار امیدوار کرده و ترقیب نمودند.

لیکن چنین بخت و شانسی نصیب تو نمی‌شود، و بخت تو شوم است و خلافت با علی ملاقات کرد، زیرا بخت علی سعد و خوب است.

فخر یا فخر فروشی از اغراضی شعری نیز در شعر زنان بوفور یافت می‌شود. «امیمه» دختر عمیله بن سباق همسر عوام بن خویلد مادر رضاعی صفیه دختر عبدالمطلب هنگامیکه بنو عبد الدار چاه «ام احراد» را حفر کردند بر قوم صفیه فخر فروشی می‌کرد و می‌گفت: (البلاذری، ۱۹۷۸، صص ۶۱-۶۲)

نحن حفرنا البحر أم أحراد  
لیست کبدر التزور الجماد

یعنی: مائیم که دریای ام احراد را حفر کردیم و ام احراد مانند چاه بدر خشک و خالی نیست.

صفیه در پاسخ امیمه با افتخار می‌گوید:

نحن حفرنا بدر

نسقى الحجيج الأكبر

و أم أحراد شر

یعنی: ما بدر را حفر کردیم،

تا حاجیان را سیراب کنیم.

و چاه ام احراد شری بیش نیست.

از خصوصیات شعر زنان در این عصر، اشعاری است که برای رقصاندن یا خواباندن کودکان می‌سرودند. و رجزهای زیبایی در این خصوص می‌سرودند، آن گونه که حلیمه سعدیه مادر رضاعی پیامبر هنگام رقصاندن شیماء خواهر رضاعی پیامبر انجام می‌داد. (ابن اثیر، ۱۹۹۶، ص ۴۲۷) یا آن گونه که اسماء دختر ابوبکر فرزندش عبدالله بن زبیر را می‌رقصاند. (ابن عبد ربه، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۵۰) می‌گوید:



بين الحواری و بين الصديق  
والله أهل الفضل أهل التوفيق

أبيض كالسيف الإبريق  
ظنی به و ربّ ظنّ تحقیق

یعنی: عبدالله در میان پدر و پدر بزرگ مانند شمشیر درخشان است.

به گمانم و بعضی از گمانها حقیقت است، بخدا سوگند صاحبان فضیلت رشتکار و موفقد.  
در واقع شاعران زن در این دوران بخاطر اشعاری که در مورد جهاد با مشرکان و تشویق مسلمانان به جنگ با دشمنان دین و مارقان و مرتدان، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف اسلام و مسلمانان داشتند. «ربیع» دختر معوذ در این باره می گوید: با پیامبر بودیم، مجروحان را مداوای می کردیم و پیکر شهداء را به شهر باز می گرداندیم. «الکانهلوی، ۲۰۰۵، ج ۱، ص ۵۷۸»

### نتیجه گیری

بی شک شعر زنان خصوصیات و ویژگیهایی دارد که در شعر مردان نمی توان یافت. همچنین در شعر زنان به سادگی می توان دریافت که زن، زن باقی می ماند و در اشعارش ویژگیهایی وجود دارد که آنها را از شعر مردان متمایز می کند. از آن جمله زن هرگز بوسیله شعر تکسب نمی کند، همانگونه که شاعران مرد با شعر خود تکسب کردند و ارزش شعری خود را به بهای ناچیز فروختند. شعر نزد زنان در نتیجه فعل و انفعال مستقیم بوجود می آید که عاطفه در این میان تأثیر فراوان دارد. بیشتر شعر زنان در غرض رثاء خلاصه می شود، رثای فرزند، همسر، بستگان، یا گاهی در دوری یار یا افسوس بر زمان گذشته.

اغراض شعری زنان چندان تفاوتی با اغراض شعری مردان نداشته و در غرضهای مدح، رثاء، غزل، هجو، فخر، وصف و... به سرایش شعر پرداخته اند. لیکن برخی از این اغراض نزد مردان و زنان از شدت و ضعفی برخوردارند. به عنوان مثال رثاء در نزد زن بیشتر و غزل او به نسبت مرد کمتر است. همچنین زن و شعر او از تحولات زمانه به دور نبوده است و همپای مجاهدان و مبارزان نقش خویش را ایفا می کرد. بدین مفهوم که زنان از مسایل اخلاقی، اجتماعی، و فرهنگی روزگار و جامعه خویش غافل نبودند.

زن شاعر در صدر اسلام بیشتر از اینکه شاعر باشد نقش یک ناقد را ایفا نمود و آن زمان که قصد تغییر موضع از ناقد به شاعر کرد خود را در تنگنا یافت. سپس برای رهایی از این وضعیت به شعر مرد گونه روی آورد. این در حالی بود که صفت زنانه در شعرش او رخنه کرده بود. از این رو قدما به شعر زن اهمیت کمتری دادند و زنانگی را عیب شعری به شمار آوردند.

### پیشنهاد

بی شک شاعران زن در این دوره فراوانند که در این مقاله تنی چند از آنان ذکر گردید برای آشنایی بیشتر با زنان شاعر در عصر اسلامی و دوره های دیگر می توان به کتابهای ذیل مراجعه کرد که در این بین نامهای فراوانی برای محققان و دانش پژوهان ذکر نمودند:

أخبار النساء نوشته ی ابن قیم الجوزیه، بلاغات النساء نوشته ی ابن طیفور، تراجم سیدات بیت النبوة نوشته ی بنت الشاطی، شاعرات العرب فی الجاهلیة و الإسلام نوشته ی بشیر یّموت، شهرات نساء

العرب و الإسلام تأليف محمد رفعت، شاعر العرب نوشته ی لويس شيخو، مئه أوائل من النساء تأليف سليم البواب، معجم النساء الشاعرات في الجاهلية و الإسلام نوشته ی عبد المهنا، شاعرات في عصر النبوة اثر محمد التونجي و نساء من المشرق العربي تأليف احمد خليل جمعه.

## منابع

- ابشيهي، (٢٠٠٠) م. (.المستطرف في كل فن مستظرف، دار مكتبة الهلال، بيروت.  
ابن اثير، (١٩٩٦) م. (.أسد الغابة، دار المعارف، قاهره.  
ابن رشيقي القيرواني، (١٤٢٠) هـق. (.العمدة في صناعة الشعر و نقده، مكتبة الخانجي، قاهره.  
ابن طيفور، (١٩٩٨) م. (.بلاغات النساء، تصحيح: احمد الإلفي، مطبعة المدرسة، قاهره.  
ابن عبد ربه، (١٩٦٥) م. (.العقد الفريد، لجنة التأليف و الترجمة و النشر، قاهره.  
ابن هشام، (١٩٧٨) م. (.السيرة النبوية، مكتبة الكليات الأزهرية، قاهره.  
الأمين، حسن، (١٩٨٣) م. (.أعيان الشيعة، دار المعارف، بيروت.  
بروكلمان، كارل، (١٩٨٦) م. (.تاريخ الأدب العربي، دار العلم للملايين، بيروت.  
البلاذري، (١٩٧٨) م. (.فتوح البلدان، دار الكتب العلمية، بيروت.  
التونجي، محمد، (٢٠٠٢) م. (.شاعرات في عصر النبوة، دار المعرفة، بيروت.  
السيف، عمر بن عبدالعزيز، (٢٠٠٨) م. (.الرجل في شعر المرأة دراسة تحليلية للشعر النسوي القديم، مؤسسة الانتشار العربي، بيروت.  
عسقلاني، شهاب الدين، (١٣٩٠) هـق. (.الإصابة في تمييز الصحابة، دار المعارف، قاهره.  
الكاندهلوي، محمد يوسف، (٢٠٠٥) م. (.حياة الصحابة، دار الجيل، بيروت.  
كحالة، عمر رضا، (١٩٨٢) م. (.أعلام النساء، مؤسسة الرسالة، بيروت.

